

مشروطه تدام مسیر امیرکبیر بود

۲۲ خرداد ۱۴۰۰ ساعت ۱۸:۵۸

یکی از موضوعات بسیار مهمی که مطرح میشود آن است که نهضت مشروطه را باید به عنوان تداوم مسیر حرکت‌های اصلاحی قبلی ردگیری کرد یا خیر؟ این سؤال از آنجا ناشی میشود که به هر صورت بسیاری از حرکت‌های اصلاحی در دوران قبل از مشروطه نظیر اقدامات عباس میرزا یا اقدامات قائم مقام و امیرکبیر اقداماتی عمودی بود که از راس هرم حاکمیت آغاز شده بود در حالیکه مشروطه بدون تردید اقدامی بود که دل جامعه ایرانی برمیخواست. دقیقاً به مانند نهضت تنباکو. برای پاسخ به این سؤال اساسی با جواد حقگو استاد دانشگاه تهران گفتگویی را تریب دادیم. محورهای اصلی این گفتگو را در ادامه میخوانیم:

***یکی از موضوعات بسیار مهمی که مطرح میشود آن است که نهضت مشروطه را باید به عنوان تداوم مسیر حرکت‌های اصلاحی قبلی ردگیری کرد یا خیر؟ این سؤال از آنجا ناشی میشود که به هر صورت بسیاری از حرکت‌های اصلاحی در دوران قبل از مشروطه نظیر اقدامات عباس میرزا یا اقدامات قائم مقام و امیرکبیر اقداماتی عمودی بود که از راس هرم حاکمیت آغاز شده بود در حالیکه مشروطه بدون تردید اقدامی بود که دل جامعه ایرانی برمیخواست. دقیقاً به مانند نهضت تنباکو. برای پاسخ به این سؤال اساسی با جواد حقگو استاد دانشگاه تهران گفتگویی را تریب دادیم. محورهای اصلی این گفتگو را در ادامه میخوانیم:

این روشنفکران در دوره قبل و بعد و حتی خود مشروطه و حتی دوران رضاخان فعال و به دنبال مدرنیزاسیون و توسعه یافتگی با فرمولی بودند که نسبتی با جامعه ایرانی نداشت و تضادهای این فرمول در دوران پادشاهی رضا و محمدرضا شاه به وضوح دیده شد. روشنفکران سرنوشت کشور را به جایی بردند که در واپسین روزهای حکومت رضاشاه با اشغال ایران مواجه شدند. اتفاقاتی که پس از اشغال می افتد و کشور تا سالها درگیر آن است. از جمله غائله آذربایجان و مسائل مربوط به اشغال ایران.

اینها اتفاقاتی است که کمکی به توسعه یافتگی نمی کند. خب این بحث که می توان مشروطه را در ادامه اقدامات عباس میرزا و امیرکبیر ردگیری کرد یا نه و آیا گسستی بین آن واقع شده یا نه و اساساً مناسبات بین آنها و ربط و بست بین آنها چگونه است را توضیح خواهیم داد. بهر حال باید از این منظر نگاه کنیم که این اصلاحات چه در قالب اقدامات امیرکبیر چه در قالب اقدامات عباس میرزا و چه در قالب اقداماتی که در مشروطه انجام شد تمام اینها در نتیجه فهم آن تحقیر و عقب ماندگی اتفاق افتاد. این مسئله به مثابه یک خط مستقلى است که همه آنها را به دنبال هم باید ردگیری کرد. نمی توان اقدامات عباس میرزا، امیرکبیر و مشروطه



همه اینها مسائلی بود که از دل یک دغدغه مشترک که همان "لزوم تغییر" در کشور بود سربرآورد. همه اینها به صورت یک مجموعه اند که در عین دارا بودن ویژگی های خاص خود، باید به دنبال یکدیگر و متوالیاً ردگیری شوند. اساساً آنچه که در مشروطه واقع می شود با اتفاقاتی که حتی توسط امیرکبیر صورت گرفت کاملاً متفاوت است. اقدامی که توسط امیرکبیر و عباس میرزا صورت گرفت یک اقدام اصلاحی از بالاست که توسط دو شخصیت عالیرتبه صورت گرفته است. اما در مشروطه چنین چیزی نیست. در مشروطه سردمداران کشور از پادشاه و ... مجبورند به یک مطالبه مردمی و عدالتخواهانه پاسخ دهند.

لذا نمی توان به همه آنها به چشم یک حقیقت واحد که فقط به لحاظ زمان و مکان متفاوت است نگریست. اما اینکه بخواهیم آنها را مطلقاً دارای گسست و بدون هر پیوستی در نظر بگیریم نیز درست نیست و باید حالتی بینابین برای آن متصور بود. براساس

چهارچوبی که داریم باید ببینیم دالّ مرکزی اقدامات عباس میرزا چیست؟ دالّ مرکزی اقدامات امیرکبیر چه بوده است؟ خواست مشروطه خواهان چه بوده است و بعد بگوییم اینها با هم پیوسته بودند یا گسسته و تفاوت‌هایی داشتند یا نه. همانطور که عرض کردم مشروطه پیوست اقدامات عباس میرزا و امیرکبیر است اما در برخی نقاط گسست‌هایی وجود دارد و متغیری مانند جنبش مردم و مطالبات مردمی را نمی‌توان با یکدیگر یکسان در نظر گرفت. بسته به این معنایی که داریم پاسخ به این سوالات متفاوت است.

پایان مطلب

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/48476/امیرکبیر-مسیر-تدام-مشروطه>